



نگاهی به شعرهای عاشورایی

■ دکتر سیدحسن حسینی

در شعر انقلاب اسلامی به علت انگیزه‌ها و پیوندهای درونی خاص انقلاب با حادثه عاشورا و تجلی بزرگ فرهنگ شهادت، شعر عاشورایی به گونه‌ای جدی و زنده فرصت بروز می‌یابد. آنچنانکه کمتر مجموعه شعر شاعران پس از انقلاب را می‌یابیم که در آن عاشورا حضور نداشته باشد.

حسن حسینی به علت برجستگی و ویژگی‌های خاص شعری که در هر فراز از زندگی هنری‌اش داشته، پیوسته در محافل ادبی شاعری بحث‌انگیز بوده است.

عاشورا در <گنجشک جبرئیل> نه مکان دارد و نه زمان، یعنی در هر نقطه از جهان و در هر عصری می‌تواند قابلیت ظهور داشته باشد

<عاشورا> و آنچه که در صحرائ خشک و تشنه کربلا اتفاق افتاده است بشریت را در همیشه تاریخ گریانده است. حادثه‌ای که بعدها توانسته منشأ بسیاری از حرکت‌های اجتماعی در دنیا شود. کمتر کسی است (با هر دیدگاه فرهنگی و دینی که باشد) آنچه را که در دهه محرم سال 61 هجری در سرزمین تفت کربلا به وقوع پیوسته باور کند و مظلومیت حماسه‌وار قهرمانان شهیدش را در یابد و حس خونخواهی را در وجود خویش برانگیخته نبیند و یا دست کم به گونه‌ای در مقابل این رنج سترک تاریخ واکنش نشان ندهد. متأثرترین ایرانیان از آن اتفاق بزرگ، هنرمندان بودند. تعزیه، که نخستین هنر نمایشی ایرانی است، بزرگترین واکنش عاطفی در برابر حادثه کربلاست. ناگفته نماند که هنر تعزیه پیش از این به گونه سوگواره سهراب و سیاوش وجود داشته که بعدها با هیجان‌ها و عواطف سوگمندانه ایرانیان شیعی نسبت به سالار شهیدان و دیگر قهرمانان عاشورا درآمیخت و در شکلی منسجم و کمال یافته، چنانکه امروزه می‌بینیم، عرضه شد. شاعران فارسی‌گویی نیز هریک به فراخور ذوق و تاثیر خویش از کربلا، آن را تجربه کرده و در قالب بیان و شکل زبان یافته بروز دادند. برخی از عاشورا بهره‌ای نمادین برده‌اند، مانند مولانا که از ایثار و جان‌گذشتگی عاشوراییان نماد اولیاء و عرفایی ساخت که به مرز فنا فی‌الله می‌رسند. آنجا که می‌گوید:

کجایید ای شهیدان خدایی
بلاجویان دشت کربلایی

و یا عبدالقادر بیدل دهلوی که کربلا را آینه حقیقت و جلوه عینی حق‌جویی و خداگرایی می‌داند و می‌گوید:

<ما همه بی‌غیرتیم آینه در کربلاست...>

برخی نیز اگرچه از عاشورا بهره‌ای سمبلیک نبرده‌اند، لیکن عزادارانه به سوگ نشستند و با سوگنامه‌ها و مرثیه‌هایی که آفریدند به شعر جهت آسمانی بخشیدند و شعر <عاشورایی> را به گستره بیکران شعر فارسی افزودند و خود نقطه آغاز شعر شیعی شدند. مرثیه ترکیب‌بند محتشم کاشانی که از جاودان سروده‌های ادب فارسی است، از نمونه‌های کامل شعری شیعی است.

باز این چه شورش است که در خلق عالم است
باز این چه نوحه و چه عزا و چه ماتم است

در شعر انقلاب اسلامی به علت انگیزه‌ها و پیوندهای درونی خاص انقلاب با حادثه عاشورا و تجلی بزرگ فرهنگ شهادت، شعر عاشورایی به گونه‌ای جدی و زنده فرصت بروز می‌یابد. آنچنانکه کمتر مجموعه شعر شاعران پس از انقلاب را می‌یابیم که در آن عاشورا حضور نداشته باشد. چه آثاری که اختصاصاً به نام عاشورا سروده می‌شود و چه آثاری که در معنا معرف فرهنگ عاشورا است.

در گستره ادبیات انقلاب از آغاز تاکنون مجموعه و دفتر شعری که صرفاً خاص عاشورا و قهرمانان آن بوده و از انسجام و سطح بالایی زیبایی برخوردار باشد انتشار نیافته بود. نخستین دفتر شعر عاشورایی مجموعه <گنجشک و جبرئیل> اثر شاعر و مترجم توانمند روزگار ما سیدحسن حسینی است، بدون استثناء همه آثار این دفتر، خاص حماسه‌سرایان کربلا و یا در راستای فرهنگ آن حماسه است. از حسن حسینی پیش از این کتاب‌های همصدا با خلق اسماعیل (در شعر)، <بیدل، سپهری و سبک هندی> (در نقد) <براده‌ها> (در نثر ادبی) و

<حمام روح> (در ترجمه) به چاپ رسیده است. ضمناً تاکنون از ایشان دهها مقاله، در زمینه‌های ترجمه شعر و قصه هنرمندان معاصر عرب، نقد ادبی در مطبوعات منتشر شده است.

حسن حسینی به علت برجستگی و ویژگی‌های خاص شعری که در هر فراز از زندگی هنری‌اش داشته، پیوسته در محافل ادبی شاعری بحث‌انگیز بوده است. از آثاری که تاکنون از او منتشر شده است به آسانی می‌توان رد کوشش‌ها و تلاش‌های خستگی‌ناپذیرش را جهت کسب تجربه‌های جدید و ایجاد توسعه در ظرفیتهای شعر معاصر دید، شعرهای نمایی <نوشداروی طرح ژنریک> و قطعات ارزشمند دفتر <گنجشک و جبرئیل> مجموعه سی و یک قطعه در قالب‌های نمایی و سپید است.

مضمون همه قطعات این دفتر عاشورا است، چه قطعاتی که معرف قهرمانان عاشوراپند و چه قطعاتی که قهرمانان در صحنه شکوهمند عاشورا حضور جسمانی ندارند؛ اما به گونه‌ای سرنوشت‌شان به شهادتی عاشورایی گره خورده است.

نگاه حسینی به عاشورا در این دفتر، نگاهی صرفاً تاریخی نیست. عاشورا در چشم او حادثه‌ای نیست که در یک مقطع زمانی و مکانی محدود اتفاق افتاده باشد، او عاشورا را جریان می‌داند که از ابتدای خلقت انسان تا همیشه ادامه دارد. به زبانی دیگر، عاشورا در <گنجشک جبرئیل> نه مکان دارد و نه زمان، یعنی در هر نقطه از جهان و در هر عصری می‌تواند قابلیت ظهور داشته باشد (کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا...)

زیبایی‌های صوری و زبانی شعرهای این دفتر بسیار قابل توجه است. زیبایی‌هایی که در نقد جدید شعر، کمال فرم (=شکل) نامیده می‌شوند.

تصویرها، واژگان، مجموعاً آگاهانه‌گزینش شده‌اند تا معرف قهرمانی باشند که شاعر شعر یا اشعاری را ظرف معرفی او قرار داده است.

مهارت شاعر در انتخاب شایسته تصویرها و واژگان، در روند شکل‌گیری شعر آنچنان است که وقتی اثر خوانده می‌شود، قهرمان و صحنه به طور زنده در ذهن خواننده ترسیم و خواننده در متن حادثه قرار داده می‌شود، قطعه <راز رشید> که نمایشگر شخصیت و نقش حضرت ابوالفضل (ع) در روز عاشورا است را مورد زیباشناسی قرار می‌دهیم.

<راز رشید>

حسن حسینی

به گونه ماه
نامت زبانزد آسمان‌ها بود
و پیمان برادری‌ات
با جبل نور
چون آبه‌های جهاد
محکم
O

تو آن راز رشیدی
که روزی فرات
بر لب آورد
و ساعتی بعد
در باران متواتر پولاد
بریده بریده
افشا شدی
و باد
تو را با مشام خیمه‌گاه
در میان نهاد
و انتظار در بهت کودکانه حرم
طولانی شد
تو آن راز رشیدی
که روزی فرات
بر لب آورد
و کنار درک تو کوه از کمر شکست

آغاز شعر و حرکت ذهن و قلم شاعر جهت ایجاد نقطه آغاز تأمل برانگیز است. شاعر از جایی نوشتن را شروع کرده است که گویی قبل از آن صفحاتی از آن را با خواننده در میان گذاشته است. و خواننده با پیش زمینه ذهنی کامل ادامه ماجرا را از زبان شاعر دنبال می‌کند و این نخستین هنر شاعر در به صحنه کشیدن خواننده است.

به گونه ماه/ نامت زبانزد آسمان‌ها بود/ و پیمان برادریت / با جبل نور/ چون آبه‌های جهاد/ محکم

از نظر لفظی شاعر میان کلمه <گونه> و <زبان> ارتباط زبانی ایجاد کرده است که در بحث زیباشناسی و آرایش‌های ادبی به آن (مراعات النظیر) می‌گویند. یعنی آوردن کلماتی که نظیر هم باشند و در یک طبقه ساختی قرار گیرند. شاعر می‌توانست مثلاً به جای <گونه> که به معنی <مانند> است، واژه <بمانند> یا <بسان> قرار دهد، اما تعمداً <گونه> را ذکر کرده

است تا معنای ایهامی آن یعنی <چهره> و ارتباط آن با ماه، از نظر زیبایی، مورد نظر باشد. در مجموع ارتباط معنایی میان <گونه ماه> و <قمرینی هاشم> (لقب حضرت ابوالفضل (ع) نیز منظور نظر بوده است.

<ماه و آسمان> نیز از نظر زبانی رابطه‌ای چنین دارند. با این توضیح که جمع شدن <ماه> و <آسمان> در این سطر به تداعی سریعتر مفهوم <قمر بنی‌هاشم> به ذهن خواننده کمک می‌کند.

<جبل نور> تعبیری است در وصف امام حسین (ع) در فرهنگ ادبی عاشورا غالباً از امام حسین (ع) به <کوه نور> تعبیر شده است.

پیمان برادریت / با جبل نور / چون آبه‌های جهاد / محکم.
واژه محکم > به دو معنی بکار گرفته شده است (ایهام)
الف: مستحکم، در اینجا پیمانی که مستحکم است.

ب: از آنجا که واژه <محکم> پس از آبه‌های جهاد ذکر شده است. از محکمت بودن پیمان نیز همچون <آبه‌های جهاد> که از <محکمت> و نه از <متشابهات> فرآیند حکایت دارد و این نمایانگر آگاهی شاعر از معنای و مفاهیم قرآنی است که بگونه‌ای ناخودآگاه در تراوشات ذوقی و قلمی او شکل بروز می‌یابد. و اثری را تا این حد به کمال و زیبایی می‌رساند.

<راز رشید> نیز به آسانی تصویرگر شخصیت حضرت ابوالفضل (ع) است (رشادت) اگرچه در وجود همه قهرمانان عاشورا نهفته و متجلی است. لیکن در فرهنگ و ادبیات عاشورایی تعبیری خاص در ستودن علمدار کربلاست.

تو آن راز رشیدی / که روزی فرات / بر لب آورده.

یادآور بر لب آوردن آب فرات و به یاد کودکان تشنه خیمه‌های حسین (ع) و نوشیدن آن توسط حضرت است.

<عباس> بزرگتر از آن است که تشنه فرات باشد. این فرات است که در عطش نوشیدن قهرمان بزرگ عاشورا بی‌تابی می‌کند. شاعر با دیگرگونه جلوه دادن حادثه، شکوهمندی علمدار کربلا را در برابر حقارت فرات بنمایش گذاشته است.

تکرار حرف (ر) و (ا) در سطر: در باران متواتر پولاد... ضمن ایجاد موسیقی و ضمیمه کردن (بریده بریده) به آن، بارش بریده بریده باران را که نمایش عظیم زندگی است، در ذهن القاء می‌کند.

و انتظار / در بهت کودکانه حرم / طولانی شد.

شاعر به جای کودکان <صفت کودکانه> را ذکر است تا تشنگی کودکان کربلا را جهانی و نامحدود کند و از انحصار يك مقطع زمانی کوتاه بیرون آورده، آنرا به همه کودکان تشنه و مظلوم جهان تعمیم دهد.

سطر آخر از زیباترین سطرهای این شعر است. نخستین جلوه زیبایی این سطر را باید در تکرار موسیقایی و هماهنگی حرف‌های <ك> <و> <ر> جست.

<کوه> ایهام دارد به دو معنا:

الف: کوه به معنای خاصش، ارتفاع بلند در این صورت > از کمر شکستن کوه در برابر درک علمدار عاشورا، حقارت آن در برابر عظمت ملکوتی حضرت است.

ضمناً میان <کمر> و <کمره> کوه تناسب زیبایی نهفته است.

و از کمر شکستن نیز کنایه است.

ب: <کوه> <تلویحاً> امام حسین است که خود را بر پیکر مبارک علمدار شهیدش می‌رساند
...

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی